

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترخوار

یکشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۵
۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۱۶ آگوست ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۵۱ صفحه ۵
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹
اذان مغرب ۱۹:۱۲
اذان صبح فردا ۵:۵۳
طلوع آفتاب ۵:۲۵

گزارش خوانی

درمان هم قسطی شد

افزایش هزینه ویزیت، آزمایش، تصویربرداری، دارو و دیگر خدمات درمانی باعث شده بیماری برای بسیاری یک مسئله اقتصادی هم باشد. خانواده‌هایی که زمانی برای سرعت و کیفیت تجربه درمان به بخش خصوصی مراجعه می‌کردند، حالا میان پرداخت هزینه بیشتر، انتظار در مراکز دولتی و عقب‌انداختن درمان مجبور به انتخاب شده‌اند. اقتصادنیز گزارشی از «حذف تدریجی طبقه متوسط از بازار درمان خصوصی» منتشر کرده است. روندی که به تدریج در حال افزایش است؛ آن‌هم در شرایطی که طبق نظر کارشناسان، ما با بحران سالمندی نیز روبه‌رو هستیم. سالمندی با بقیه دوران زندگی متفاوت است و توان بدن کم می‌شود و موضوع استقلال و سلامت و تعامل اجتماعی بیش از پیش اهمیت می‌یابد. نگرانی بابت داشتن سالمندی سالم از دغدغه‌های بسیاری است؛ آن‌هم در حالی که افراد باید در اقتصاد سلامت امروز ایران، برای کوچک‌ترین بیماری بخشی از حقوق خود را بپردازند. یک دوره تشخیص معمولی شامل ویزیت متخصص، آزمایش و چکاپ می‌تواند حدود ۳۰۹ میلیون تومان هزینه مستقیم داشته باشد؛ رقمی که برای خانواده‌ای با درآمد ۳۱۰ میلیون تومان، حدود ۱۳ درصد درآمد ماهانه را مصرف می‌کند و برای سالمندان پانزدهشت به مستمری ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان، هزینه درمان‌های ساده می‌تواند حدود ۱۳ تا ۱۹.۵ درصد درآمد ماهانه را مصرف کند. در روزهایی که هزینه درمان از دخل خانوار جـلسـو رده، مردم برای دندان، دارو، تـرابـی و حتی ویزیت پزشک، از ماه‌های بعدشان قرض می‌گیرند. وقتی درمان خصوصی از توان مالی خانواده خارج می‌شود، مسئله فقط پول نیست؛ بیمار باید زمان، مرخصی و انرژی بیشتری برای دریافت همان خدمت در بخش دولتی صرف کند. هزینه درمان معمولاً با یک ویزیت تمام نمی‌شود؛ بیمار ممکن است ابتدا پزشک متخصص را ببیند، بعد آزمایش یا تصویربرداری انجام دهد، دوباره برای تفسیر نتیجه مراجعه کند و در ادامه دارو، تزریق یا فیزیوتراپی نیز به هزینه‌ها اضافه شود.

بخش دولتی برای کاهش هزینه درمان به سیر اصلی خانوارها تبدیل شده است، اما دریافت خدمت ارزان‌تر الزاماً به معنای هزینه کمتر نیست. صف‌های طولانی، نوبت‌های دور، رفت‌وآمد و نیاز به چند بار مراجعه، بخشی از هزینه درمان را از جیب به «زمان» منتقل می‌کند. در برخی مراکز حتی مردم برای گرفتن نوبت از ساعت دو بامداد در صف می‌ایستند؛ درحالی‌که تنها حدود ۲۵ تا ۴۸ درصد نوبت‌گیری بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشور به شکل الکترونیکی انجام می‌شود. رئیس هیئت‌مدیره انجمن بیمارستان‌های خصوصی از کاهش دست‌کم ۵۰درصدی مراجعه مردم به بیمارستان‌های خصوصی طی حدود پنج ماه خبر داده است. هم‌زمان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران از افزایش ۴۵درصدی مراجعه به بیمارستان‌های دولتی گفته است. این جابه‌جایی لزوماً به معنای کاهش نیاز مردم به درمان نیست؛ بخشی از بیماران از بخش خصوصی خارج شده‌اند و به مراکز دولتی، دانشگاهی و تأمین اجتماعی رفته‌اند و بخشی هم است که درمان را به تعویق انداخته باشند. طبقه متوسط که پیش‌تر برای سرعت، امکان انتخاب پزشک و صرفه‌جویی در زمان به بخش خصوصی مراجعه می‌کرد، حالا ناچار است میان پول کمتر و زمان بیشتر یکی را انتخاب کند. در واقع نکته شایان توجه این است که «طبقه متوسط لزوماً یک‌شنبه فقیر نمی‌شود؛ گاهی ابتدا قدرت انتخابش را از دست انداخته باشند. طبقه متوسط که پیش‌تر برای سرعت، امکان انتخاب پزشک و صرفه‌جویی در زمان به بخش خصوصی مراجعه می‌کرد، حالا ناچار است میان پول کمتر و زمان بیشتر یکی را انتخاب کند. در واقع نکته شایان توجه این است که «طبقه متوسط لزوماً یک‌شنبه فقیر نمی‌شود؛ گاهی ابتدا قدرت انتخابش را از دست انداخته باشند. طبقه متوسط که پیش‌تر برای سرعت، امکان انتخاب پزشک و صرفه‌جویی در زمان به بخش خصوصی مراجعه می‌کرد، حالا ناچار است میان پول کمتر و زمان بیشتر یکی را انتخاب کند. این نکته نیز شایان ذکر است که طبق گزارشی که ایرنا منتشر کرده، بیش از ۹۰ درصد از قراردادهای کار در ایران موقتی هستند و بیش از نیمی از شـاغلان در مشاغل غیررسمی فاقد بیمه کار می‌کنند. این در حالی است که پژوهش‌ها نشان می‌دهند اضطراب مزمن ناشی از ناامنی شغلی در میانسال، مستقیماً با ابتلا به زوال عقل، بیماری‌های قلبی و افسردگی در دوران سالمندی مرتبط است و دبیرخانه شورای ملی سالمندان درباره این آمار هشدار می‌دهد که ایران همین امروز دارد نسل آینده سالمندان پرنهزینه، بیمار و تهیای خود را می‌سازد.



بر اساس بررسی‌ها و پایش‌های انجام‌شده، وسعت آلودگی نفتی رصدهشده در سواحل جنوبی جزایر قشم و هنگام، حدود ۳۲ هزار مترمربع برآورد شده است. با همت و همکاری مردم و نیروهای حاضر بخشی از سواحل سوزا و سیبدار بازسازی شده است. بررسی‌ها برای شناسایی منشأ این آلودگی، با همکاری و هماهنگی سازمان بنادر و دریانوردی و بنادر قشم در حال پیگیری است. عکس: امیرحسین خورگویی، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

برسش‌هایی پس از پایان پاکسازی آلودگی نفت در ساحل قشم

نفتی که دیگر نمی‌بینیم، کجاست؟



سعیدنبی

مستند ساز

برسش مهم‌تر این بود که چه چیزی در سیستم باید تغییر کند تا دوباره مجبور به جمع‌کردن چنین نفتی نباشیم؟ گره جنوبی پس از «هپی اسپیریت»، بُعد دیگری از ماجرا را آشکار کرد. نفت ابتدا با تجهیزات مکانیکی، مواد جاذب، شست‌وشوی کنترل‌شده و نیروی انسانی جمع شد و سپس کارشناسان برای ارزیابی شیلات، آتزی پروری، گردشگری و خسارت اقتصادی ماندند. بیش از صد هزار مطالبه خسارت ثبت شد و نفت از پرونده محیط زیست وارد پرونده معیشت شد. کراه‌های فهمیدند نفت فقط روی ماسه نمی‌نشیند؛ روی درآمد یک خانواده هم می‌نشیند. ژاین پس از حادثه «ناخودکا» در سال ۱۹۹۷ حلقه دیگری به این زنجیره افزود. پاکسازی تمام شد، اما پژوهشگران بازگشت اجتماعات جانوری مناطق بین کشندی را در سال‌های بعد دنبال کردند. معیار پایان بحران دیگر فقط مقدار نفت جمع‌آوری‌شده نبود؛ بازگشت حیات بود. چهار حادثه و یک منطق مشترک: بیل، ابتدای پاکسازی بود، نه انتهای آن. تجربه چین در دریای «بوهای»، روسیه در تگه «کرج» و میراث طولانی آلودگی نفتی بیرون‌پاگو نیز همین هشدار را تکرار می‌کند: عمر اکولوژیک نفت می‌تواند بسیار طولانی‌تر از عمر خیری آن باشد. خطرناک‌ترین مرحله آلودگی شاید زمانی آغاز شود که جامعه دیگر آن را نمی‌بیند. در جهان امروز، چرخه مدیریت نشت نفت تقریباً روشن است؛ مهار، پاکسازی، پایش شیمیایی و زبستی، احیای اکوسیستم، محاسبه خسارت، جبران اقتصادی، تعیین مسئولیت و در نهایت اصلاح مقررات. حذف هر حلقه یعنی نیمه‌تمام‌گذاشتن بحران. و حالا قشـم! سـختگویی وزارت امور خارجه پرسش مهمی را مطرح کرده است: چه کسی باید خسارت‌های واردشده به زیست‌بوم منطقه را جبران کند و طرف‌هایی که از کشتیرانی و انرژی این آبراه منتفع می‌شوند، چه مسئولیتی

یادداشت

آگاهی از معنی



روزبه خسروخاور

برای فقدان، بیماری یا آسیبی که دیده است معنی‌ای پیدا کند. بعضی رنج‌ها پیش از هر تفسیری، به زمان، امنیت، حمایت و درمان نیاز دارند. گاهی معنی نه در پاسخ‌دادن به چرایی رنج، بلکه در انتخاب شیوه ادامه‌دادن در حضور آن شکل می‌گیرد. معنی را نمی‌توان به‌طور کامل از بیرون به انسان تحمیل کرد، اما در خلأ نیز ساخته نمی‌شود. معنی اغلب در پیوند با روابط، فرهنگ، ایمان، خانواده، کار، مسئولیت و تعلق اجتماعی شکل می‌گیرد. برای برخی، معنی در عشق و مراقبت از خانواده است؛ برای برخی در ایمان، خدمت، آموزش، درمان، پژوهش، آفرینش، تربیت فرزند یا ساختن چیزی که زندگی دیگران را اندکی بهتر کند. برای بسیاری نیز معنی ترکیبی از چند سرچشمه است و ممکن است در دوره‌های مختلف زندگی تغییر کند. گاهی انسان تصور می‌کند معنی فقط در کارهای بزرگ نهفته است؛ در حالی که بسیاری از عمیق‌ترین تجربه‌های معنی در رفتارهای کوچک و تکرار‌شونده پدید می‌آیند؛ در وفادارمندان به یک عهد، مراقبت از انسانی دیگر، درست انجام‌دادن کاری که شاید هیچ‌کس آن را نبیند، حفظ صداقت در موقعیتی دشوار و انتخاب اخلاق، حتی زمانی که سودی فوری در آن وجود ندارد. معنی همیشه چیزی نیست که یک‌بار برای همیشه پیدا شود. گاهی باید آن را ساخت؛ گاهی بازساخت و گاهی پس از تغییر، فقدان یا شکست، از نو تنظیم کرد. ممکن است آنچه در دورهای به زندگی ما جهت می‌داد، در مرحله‌ای دیگر کافی نباشد. آگاهی از معنی یعنی کارگردانی کرد.

۹۷ سال

مارک رابدل، کارگردان فیلم «کنار بکر طلایی»، در ۹۷ سالگی بر اثر کهولت سن درگذشت. هنری فوندا تنها جایزه اسکار دوران حرفه‌ای خود را برای بازی در این فیلم به دست آورد. رابدل همچنین در فیلم‌های «وداع طولانی»، «هوانا» و «پایان هالیوودی» بازی کرده است. او، «روز»، «سیندرا لیریتی»، «هری و والتر به نیویورک می‌روند» و سریال‌هایی ازجمله «من جاسوسی می‌کنم»، «دنیای وحشی غرب»، «فراری» و «تفنگ دود» را کارگردانی کرد.

زنان

ماهم رؤیاهایی داریم

نیویورک تایمز و بی‌بی‌سی گزارشی از وضعیت زنان در این پنج سالی که از بازگشت دوباره طالبان می‌گذرد، منتشر کرده‌اند. گزارش بی‌بی‌سی با زنانی صحبت کرده و نامی از آنان نیاورده و حتی به خوانندگان هشدار داده که ممکن است این گزارش دارای نکته‌های ناراحت‌کننده‌ای باشد و شماره تلفنی هم برای حمایت از آنان دراین‌باره اعلام کرده است. زنان در این مدت تجربه‌های متعددی داشته‌اند؛ از بازداشت و بدرفتاری گرفته تا ممنوعیت صحبت‌کردن و ابراز نظر در ملاعام. برآوردهای یونیسف نشان می‌دهد حدود ۲.۶ میلیون دختر در افغانستان امکان ادامه تحصیل پس از پایه ششم را ندارند. لیمّا، ۲۰ساله، می‌گوید به او گفته شده بود تحصیل با تلاش دختران برای پیشرفت و توانمندکردن خودشان «گناه است». طبق گزارش یونیسف، این شرایط به «کمبود شدید ماما» در افغانستان منجر شده است. یکی از زنان می‌گوید که هر «پزشک» و هر «ماما» به حدود ۵۰ هزار نفر خدمات ارائه می‌دهد؛ چراکه دیگر هیچ پزشک زن با مامایی آموزش نمی‌بینند. البته امیرخان متقی، وزیر خارجه طالبان، به بی‌بی‌سی می‌گوید: «درست نیست بگوییم همه چیز برای زنان ممنوع شده است».

در این گزارش مفصل که بخش‌هایی از آن در ادامه می‌آید، زنان افغانستان نکاتی درباره چالش‌هایی که با آنها روبه‌رو هستند، بیان کرده‌اند. برخی از زنان مانند «شکیبا» که جواهرساز است، می‌گویند همچنان به حق خود برای داشتن آینده‌ای بهتر باور خواهند داشت. یکی از این زنان شرح حال خود را چنین توصیف می‌کند: «وقتی دیگر نتوانستیم به تحصیل ادامه بدهم، به‌شدت ناامید، دل‌شکسته و افسرده شدم». اما او توضیح می‌دهد: «با این حال، امیدم را از دست ندادم. تصمیم گرفتم کار کنم و از نظر مالی مستقل شوم. در یک شرکت تولید مربا شغلی پیدا کردم و کارم را آنجا شروع کردم. اکنون سه سال است در آنجا کار می‌کنم. امروز بسیار خوشحالم و به خودم اقتدار می‌کنم، چون توانستم روی پای خودم بایستم و مهارت‌ها و تجربه ارزشمندی به دست بیاورم. حالا تصمیم گرفتم شرکت خودم را راه‌اندازی کنم تا بتوانم برای زنان دیگر نیز فرصت شغلی فراهم کنم. می‌خواهم آنها هم مانند من زمانی مستقل، قدرتمند و موفق شوند و آینده بهتری داشته باشند».

یکی دیگر از زنان می‌گوید: «من خیلی دوست دارم درسم را ادامه دهم و حرفه‌ای داشته باشم و به خانواده‌ام کمک کنم. نمی‌خواهم زندگی‌ام فقط به این دلیل که دختر هستم محدود شود. من هم رؤیاهایی دارم. من هم توانایی‌هایی دارم و شایسته این فرصت هستم که آینده خودم را بسازم». البته او راهی برای خود پیدا کرده و ادامه می‌دهد: «برای اینکه کاملاً در غم و اندوه فرو نروم، به نقاشی روی آوردادم. نقاشی برای من دیگر فقط یک سرگرمی نیست؛ جایی است که می‌توانم احساساتی را بیان کنم که همیشه نمی‌توانم آنها را به کلمات به زبان بیاورم. وقتی نقاشی می‌کنم، می‌توانم برای چند لحظه محدودیت‌هایم را فراموش کنم. روی کاغذ می‌توانم آینده‌ای را بسازم که آرزو دارم در زندگی واقعی داشته باشم، می‌توانم آسمان را نقاشی کنم و خودم را در حال پرواز تصور کنم. می‌توانم دختری را نقاشی کنم که به همه چیزهایی دست یافته است که زمانی تصور می‌کردم رسیدن به آنها غیرممکن است».

اما دختر دیگری می‌گوید: «بعد از آزادی، تقریباً حافظه‌ام را از دست داده بودم. چهار سال تحصیلات دانشگاهی را پشت سر گذاشته بودم. اما هرچه را که خوانده بودم فراموش کردم. اشتهايم را از دست دادم. تمام شب بیدار می‌ماندم و تلاش می‌کردم روزها بخوابم. دیگر هیچ امیدی به زندگی نداشتم. فقط مادرم کارم بود. دیگر نمی‌خواستم به زندگی ادامه بدهم. همیشه می‌گفتم اولین کاری که بعد از بیرون‌آمدن از زندان انجام خواهم داد، خودکشی است. به مایه شرمساری خانواده و دوستانم تبدیل شده بودم. رفتار دوستانم با من تغییر کرده بود». دختر دیگری توصیفش از شرایط این است: «قبلاً یک کارگاه هنری داشتم، متأسفانه بعد از اینکه همه چیز تغییر کرد، دختران انرژی خود را برای دنبال‌کردن هنر و علاقه‌هایشان از دست داده‌اند. مردم فقط برای زنده‌ماندن تلاش می‌کنند، نه برای اینکه واقعا زندگی کنند».

۱۱۰ کشور
اِپل برای برخی از کاربران پیام هشدارِ مبنی بر آنکه احتمالاً آیفون‌هایشان هک شده، ارسال کرده است. این پیام به کاربران در ۱۱۰ کشور دنیا ارسال شده و در آن آمده است: اِپل حملات یک جاسوس افزار تجاری تحت فشارش به آیفون شما را ردیابی کرده است. شما می‌توانید اکنون اقداماتی برای حفاظت از دستگاه‌تان انجام دهید. این هشدارها بخشی از ویژگی‌های امنیتی تقریباً جدیدی است که اِپل با هدف ردیابی حملات سایبری پیچیده و قدرتمند علیه کاربرانِش ارائه کرده است.

۱۱۰ کشور